

کاوشی در برخی مفاهیم مخل امنیت ملی و آسایش عمومی

از منظر فقه اسلامی

محمد ابراهیم مجاهد استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان
 (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده:

بحث مفهوم شناسی در تمامی شاخه های علوم بشری از اهمیت بالایی برخوردار است. این بحث در حقوق کیفری بویژه در حوزه امنیت و آسایش عمومی از اهمیتی مضاعف برخوردار می باشد. از آنجا که این حوزه ارتباط تنگاتنگی با مصالح خمسه دارد، و آنگهی در پاره ای از این مفاهیم، نارسایی ها و ابهام های مفهومی وجود دارد؛ بر همین اساس تبیین این دسته مفاهیم هم به لحاظ نظری و هم به لحاظ عملی ضرورتی اجتناب ناپذیر می باشد. شناخت و تبیین اجمالی مفاهیمی چون ترور و تروریسم، و بیوتروریسم، محاربه و افساد فی الارض و بغی، جرم سیاسی، فتنه و اغتیال، کودتا و فتنه، و تفاوت و تفکیک آنها از هم از جمله مفاهیمی هستند که آشنایی و تبیین آنها، هم به لحاظ نظری و هم در بعد عملی و وضع قانون و نیز در مقام داوری و تطبیق بر مصادیق بغایت داری اهمیت است. این پژوهش بصورت تحلیلی-توصیفی به بازکاوی برخی از مهمترین این مفاهیم اقدام نمود. ابتدا به تبیین و توصیف این مفاهیم بنیادی پرداخته شد. سپس به تحلیل اجمالی اوصاف و ابعاد، زوایا، قلمرو و آنها اهتمام شد. در نتیجه این تحقیق مفاهیم مورد بحث ابهام زدایی شدند و با شناختی که از ارکان و ماهیت هر یک بدست آمد، وجه تشابه و وجوه افتراق و تمایز و تفکیک آنها از هم بازشناسی و تبیین شد.

کلیدواژه: مبیهاف، مخلک، تینمروریسم، محاربه، بی، افسدا، فتنه، کتدر، اغتیال

طبقه بندی JEL: فقه - حقوق - جزا و جرم شناسی - حقوق بین الملل - حقوق خصوصی

پیشینه تحقیق:

بنظر می رسد اگرچه فرهنگ اصطلاحات و کتب ترمینولوژی و نیز در لابلای برخی کتب و مقالات بطور گذرا اشاراتی به این مفاهیم شده ولی تا کنون مقاله مستقلی در این خصوص نگاشته نشده است. امید است فتح بابی باشد برای تحقیقات دقیق تر و جامع تر در این زمینه.

انشاءالله.

مقدمه

شیرین ترین وظایف هر حکومت و نظام سیاسی ایجاد نظم و امنیت جهت آسایش عمومی است. زیرا اخلاص در امنیت و عمومی به نوعی ایراد ضرر به مردم و همه جمعیت مقیم در است. از این رو حکومت موظف است برای صیانت از امنیت عمومی کسانی که در نظم و امنیت و آسایش عمومی اخلاص را دستگیر نماید و به مجازات برساند. گفتنی است که همه حوی علیه نظم و آسایش عمومی اند؛ ولیکن برخی جرایم بطور خاص تحت عنوان جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی بودند، چون صدمه آنها مستقیماً و بطور ابتدائی متوجه عموم البته ممکن پس از آن و بطور ثانوی متوجه شخص خاصی و بالعکس.

خصوصیت و وجه ممیزه جرایم علیه امنیت و آسایش است که ماهیتی عمومی و حکومتی دارند؛ و طرف مجرم یا بطور غیر مستقیم نفس حاکمیت است. در نتیجه عدم نظم و امنیتی در قلمرو حاکمیتی نشان از بی تدبیری عدم توان دولتمردان محسوب می شود.

بلند حقوق کیفری اسلام یکی حفظ نظم عمومی و دیگری آزادی های فردی و اجتماعی مشروع است. قانون اساسی اسلامی ایران در اصل نهم به این مقوله ی مهم تصریح . به عقیده برخی نویسندگان این اصل، آزادی را هم سنگ لال و تمامیت ارضی قرار داده است و تاکید شده «هیچ ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی، آزادی های فرچند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

تبیین مفهوم و اهمیت و جایگاه و قلمرو این جرایم از درجه مهم برخوردار است. زیرا مفهوم برخی از این دسته جرایم دارای ابهام هستند و احیاناً با دیگر جرایم تداخل می یابند.

لذا تبیین و تفکیک آنها از هم بسیار مهم است. بنابراین شایسته است نظرات علما و اندیشمندان در این باره بازکاوی و روشن گردد.

با این توصیف بابد گفت در مجموع فقها و حقوقدانان اسلامی برخی از مصادیق جرایم علیه نظم و امنیت و آسایش عمومی را چنین بر شمرده اند: محاربه، بغی، افساد فی الارض، فتک، اغتیال، تروریسم، بیوتروریسم، غدر، قیام مسلحانه، فعالیت تبلیغی علیه نظام حاکم، جرایم جاسوسی، کودتا و برخی جرایم مالی که در این مجال به برخی از مهمترین آنها می پردازیم.

۲- اقدامات تروریستی

۲-۱- مفهوم شناسی ترور و تروریسم

یکی از پدیده های شوم و مذموم و مورد حرمت در شریعت اسلامی اقدامات شروانه تروریستی است. درطول تاریخ بسیاری از بزرگان و چهره های شاخص سیاسی و مذهبی از جمله ائمه (ع) قربانی این رفتار منحوس شدند.

۲-۲- مفهوم ترور

واژه ی ترور (terreur) زبان فرانسوی به معنای دهشت و دهشت افکنی است. اولین کاربرد واژه ترور در جهان مدرن، مانند بسیاری از مفاهیم نوین از جمله «پیشرفت و ترقی» از انقلاب فرانسه نشأت می گیرد. البته برعکس امروز، بار معنایی مثبت داشته است.

در فرهنگ سیاسی، ترور از ریشه لاتین terror به معنای ترس و وحشت گرفته شده و به رفتار و اعمال فرد یا گروهی اطلاق می شود که از راه ایجاد ترس، وحشت و استفاده از زور می خواهند به اهداف سیاسی و اجتماعی خود برسند.

تروریستی فرد یا گروه تروریستی تا آن جا که می تواند موضع خود را غیر مشخص، پنهان، منافقانه و غافلگیرانه قرار می دهد؛ چرا که عمده ترین عامل بالا بردن تأثیرگذاری بر هدف خود را در غافلگیری می بیند که از این طریق، وی را وحشت زده و مرعوب خود می کند. این مؤلفه در روح اغلب تعاریف ترور آمده است. (شاملو احمدی، ۱۳۷۷ش: ج ۱، ص ۱۳۰ و ۱۳۱)

البته دفاع مشروع که خود نوعی پاسخ به یک حمله است، را نمی توان مخفیانه یا غافلگیرانه و ظالمانه دانست؛ چرا که همواره هر متجاوز، انتظار پاسخ در مقابل تجاوز خود را دارد و هر مورد تجاوزی، حق دفاع مشروع از خود را ندارد (طارمی، ۱۳۹۶ش: ص ۴۱ به بعد)

۲-۵- مفهوم جهان پسند آری یا نه؟

در جهان امروزی، تعریف دقیقی از واژه «تروریسم» ارائه نشده است؛ زیرا هنوز هیچ تعریفی از تروریسم در سازمان ملل متحد تعریف نشده که مورد توافق همه کشورهای عضو باشد.

۲-۶- تفاوت ترور و تروریسم

میان تروریسم و ترور تفاوت های مهمی وجود دارد. مفهوم ترور (قتل سیاسی که گاه آن را اعدام انقلابی می نامند) گاه برای مشروعیت بخشیدن به اقدامات تروریست ها استفاده می شود. برخی پژوهشگران همچون دیوید راپوپورت و ایویانسکی نظریه امروزی ترور را برگرفته از نظریه ستمگرشی می دانند. امروزه گرایش برای گنجانیدن قتل سیاسی در چارچوب تروریسم پدید آمده و از سوی دیگر بسیاری از گروه های وحشت نیز از تاکتیک قتل سیاسی استفاده می کنند. آشکارترین تمایز ترور و تروریسم این است که هدف یک قاتل سیاسی یک شخصیت معین است و اسلحه برای از میان بردن او استفاده می شود، اما هدف یک اقدام تروریستی، گروهی است.

راپوپورت برای تمایز قتل سیاسی از عمل تروریستی روش بدیعی را ارائه می دهد که در آن به جای «نفس اقدام» به «معنای اقدام» توجه می شود. او تروریسم را یک فرایند و قتل سیاسی را یک رویداد می داند؛ «قاتل سیاسی انسانی را نابود می کند که (به عقیده او) یک نظام را به فساد کشانده است. اما تروریست نظامی را نابود می کند که پیشتر هر کسی را که در خود جای می داده به فساد کشانده است. قتل سیاسی یک حادثه، یک کار گذرا و یک رویداد است، ولی تروریسم یک فرایند و یک روش زندگی است.

در زبان فارسی هم ترور به معنای ترس زیاد، بیم و هراس و خوف و وحشت است. تروریست به عامل ترور، طرفدار ترور، آدم کش یا کسی که برای رسیدن به هدف خود کسی را به طور غافلگیرانه بکشد یا ایجاد وحشت و هراس کند، گفته می شود.

بنابراین ترور در لغت به معنی «ترساندن» است و در فرهنگ سیاسی جهان عبارتست از هرگونه اقدام خصمانه و مخفیانه ترس آور و رعب انگیز، علیه فرد یا افراد و جامعه هدف، در حوزه های محدود یا گسترده، با اهداف سیاسی، مذهبی، اقتصادی، کشاورزی، صنعتی و حتی شخصی.

۲-۳- مفهوم تروریسم

برای تروریسم تعاریف مختلفی ارائه شده که با گذشت زمان توسعه داده شده اند. می توان گفت تروریسم عبارت است از: «مجموعه اقدامات فردی و جمعی خشونت بار و انتحاری و تخریبگرانه که بصورت ظالمانه منافقانه و غافلگیرانه علیه افراد و شهروندان واقع می شود را اقدامات ویا عملیات تروریستی می نامند.»

۲-۴- مؤلفه ها و ویژگی های کلی تروریسم

مؤلفه ها و ویژگی های کلی پدیده مذموم تروریسم عبارت است از:

۱- خشونت و توسل به زور جنبه های مختلف خشونت در اقدامات تروریستی دیده می شود. قتل، جرح و تخریب از ویژگی های اساسی اقدامات تروریستی است. این ویژگی در قریب به اتفاق تعاریف اراده شده از تروریسم آمده است.

۲- ایجاد فشار (سیاسی و ...)، وحشت و ترس

هر اقدام تروریستی، هدفی را دنبال می کند که از رهگذر ایجاد فشار به دولت یا جامعه مورد هدف و تولید وحشت فزاینده در تلاش است که بدان دست یابد. ایجاد فشار سیاسی و وحشت نیز از مؤلفه های مشترک بین تعاریف ارائه شده در حوزه تروریسم است. (جعفری لنگرودی ۱۳۸۸ش، واژه ترور)

۳- رسیدن به هدفی غیرمشروع اقدامات تروریستی برای رسیدن به اهدافی سیاسی اقتصادی و غیره سازماندهی میشوند. امروزه ترور با انگیزه های مذهبی و ایدئولوژیک نیز واقع می شود.

۴- اقدام غافلگیرانه، مخفیانه و ظالمانه برخلاف جنگ ها که دشمن، مشخص و آشکار بوده، رو در رو به مبارزه می پردازد؛ در اقدامات

در برمی گیرد. افزون بر این، محاربه کنشی بر ضد امنیت اجتماعی است و هدف آن مردم است، در حالی که تروریسم، اقدامی بر ضد امنیت ملی و هدف پایانی آن دولت است. (عالی پور ۱۳۸۹، ص ۱۴۳ سال ۱۳، ش ۵۰)

۲-۸- رابطه تروریسم و محاربه

در خصوص رابطه تروریسم و محاربه هم چنان که از عناصر محاربه بر می آید، این جرم، نزدیکی بسیاری با اقدامات تروریستی دارد. ایجاد ترس، وحشت، اعمال خشونت و توسل به زور از ارکان اقدامات تروریستی است. از این رو است که در طول عمر حکومت جمهوری اسلامی ایران، عده‌ای از جمله، گروهک منافقین، تحت عنوان محاربه یا بغی، مورد مجازات واقع شده‌اند.

لازم به ذکر است که ارباب و ترساندن با استفاده از سلاح، ملاک است؛ لذا هدف از ارتکاب این جرم می‌تواند سیاسی یا غیرسیاسی باشد. از این جهت می‌توان گفت این جرم، شامل اقدامات تروریستی است. از جهت دیگر چون در محاربه، وجود سلاح، نقش اساسی دارد؛ شامل برخی دیگر از اقدامات تروریستی چون اقدامات خرابکارانه و یا تروریسم سایبری (اقدامات خرابکارانه الکترونیکی و اینترنتی) و یا آلوده کردن محیط زیست و... نمی‌شود. از این رو می‌توان گفت رابطه محاربه و اقدامات تروریستی، عموم و خصوص مطلق است (اقدامات تروریستی عام و محاربه خاص). زیرا که همه اشکال محاربه به دلیل وجود اخافه و استفاده از سلاح در حیطه اقدامات تروریستی قرار می‌گیرد، اما همه اقدامات تروریستی در دایره محاربه قرار نمی‌گیرد. البته می‌توان با تمسک به قرآن (آیه ۳۳ سوره مائده) افساد فی الارض را به معنای مطلق تلاش برای ایجاد فساد و برهم زدن نظم عمومی دانست و هر اقدامی در این راستا چون انواع اقدامات تروریستی را مستحق مجازات مفسد فی الارض قلمداد کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۷ ش: شماره ۱۳)

۳- بیوتروریسم

بر اساس تعریف پلیس بین الملل در سال ۲۰۰۷ بیوتروریسم عبارت است از منتشر کردن عوامل بیولوژیکی یا سمی با هدف کشتن یا آسیب رساندن به انسان‌ها، حیوانات و گیاهان با قصد و نیت قبلی و به منظور وحشت‌آفرینی، تهدید و وادار ساختن یک دولت یا گروهی از مردم به انجام عملی یا برآورده کردن خواسته‌ای سیاسی اجتماعی.

ترور واژه‌ای فرانسوی می‌باشد که به ترس و وحشت ترجمه شده است و در عربی معاصر به «ارهاب»، «اغتیال» و «هراق» تعبیر می‌شود.

ترور در اصطلاح: با وجود تلاش‌های اندیشوران و صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی، تعریف جامع و دقیقی که مورد اقبال همگانی باشد در دست نیست.

۲-۷- تروریسم پنداری محاربه

برجسته ترین منبع بزه انگاری محاربه در فقه، آیه ۳۳ سوره مائده است. بر اساس این آیه، محاربه به عنوان یکی از جرایم مستوجب حد در فقه پیش بینی شده است. بیشتر فقیهان با بیان جمله شناخته شده «تجريد السلاح لآخافه الناس» به تعریف محاربه پرداخته اند و گهگاهی از سلاح نیز به شمشیر یاد کرده اند؛

بر اساس شرط «هراساندن» برخی محاربه و تروریسم را یکی می‌دانند و بر این باورند که در نظام اسلامی، تروریسم همان محاربه است که عبارت است از هر گروه اعم از شخص واحد، حکومت، حزب، جمعیت و سازمان که قیام مسلحانه و ایجاد رعب و هراس کنند و امنیت را در جامعه سلب و نقض کنند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰ ش: ص ۱۸۳)

برخی نیز با همین پندار، برخی از گونه‌های تروریسم که هیچ جایگاه فقهی ندارد، همچون سوء قصد به جان مقامات یا بزه‌های ضد امنیت هواپیما را در زمره "جرایم در حکم محاربه و افساد فی الارض می‌دانند. (گلدوست جویباری، ۱۳۸۸ ش: ص ۱۴۰ و ۱۴۱)

اکنون سوال این است که آیا این دو عملاً یکسان هستند یا خیر؟ با اندکی تأمل در ماهیت این دو پدیده شوم علی‌رغم شباهت‌های فراوانی که دارند ولی ماهیتاً با هم تفاوت دارند.

(پس) بزه تروریستی، از محاربه جداست. محاربه به معنای برکشیدن جنگ افزار برای ترساندن (تجريد السلاح لآخافه الناس) است، ولی در اقدام‌های تروریستی نه شرط بودن جنگ افزار لازم است و نه بهره گیری صرف از سلاح برای ترساندن، موجب تحقق آن می‌شود. افزون بر این، از حیث نتیجه و قصد مرتکب نیز میان این دو ناهمگونی‌هایی هست. پیامد محاربه تنها ترساندن مردم است که در دیدگاه برخی حقوق‌دانان، حتی ترساندن نیز بایسته نیست و تنها قصد ترساندن بس خواهد بود. در حالی که پیامد تروریسم بسیار بیشتر از ترساندن بوده و کشتن، ضرب و جرح، ویرانگری، ربایش هواپیما و مانند اینها را نیز

۳-۱- حمله بیوتروریستی

عبارت است از پخش کردن ویروس، باکتری، میکروب یا دیگر عوامل بیماریزا و سمی که موجب بروز بیماری و مرگ در میان انسانها، حیوانات و گیاهان می‌شود.

کشف و شناسایی یک حمله بیولوژیکی سخت و دشوار به شمار می‌آید. تاثیرات یک حمله بیولوژیکی به چهار دسته تقسیم می‌شوند.

۱- فیزیکی: بروز بیماری ۲ - روانی: بروز ترس و وحشت ، ۳- اقتصادی: محدودیت سفر و جابه‌جایی، متوقف شدن فعالیت‌های اقتصادی و کسب و کار ۴- زیست محیطی: آسیب دیدن انسانها، حیوانات، گیاهان، آلوده شدن منابع طبیعی مثل منابع آب.

۳-۲- عوامل بیوتروریسم

بیوتروریسم‌ها چه کسانی هستند؟ معمولا گروه‌ها و جنبش‌ها سیاسی و فرقه‌های مذهبی یا اشخاصی هستند که توانایی تولید و به کارگیری سلاح‌های بیولوژیک را دارند. به طور مثال جنبش استقلال طلب قبیله مائو. مائو در کنیا که از سم برای کشتن ماموران حکومت استعماری بریتانیا استفاده کردند. فرقه مذهبی راجنیشی در سال ۱۹۸۴ با آلوده کردن ظروف سالاد یازده رستوران در آمریکا با باکتری (تایفیموریوم سالامونا) موجب مسمومیت ۷۵۰ نفر شدند. در سال ۱۹۹۳ فرقه مذهبی آئوشینریکوی باسیل سیاه زخم را در ناحیه کامیرو در متروی توکیو منتشر کرد

۴- محاربه

نتیجه آنکه محاربه، تنها در برگزیده اقدامات تروریستی مسلحانه است و تنها این بخش از اقدامات تروریستی، قابل مجازات از باب محاربه است و حکم دیگر اقدامات تروریستی از باب محاربه استخراج نمی‌گردد؛

محاربه جرمی علیه امنیت عمومی و اجتماعی است. شیخ طوسی در اثر گرانقدر خویش خلاف ذیل کتاب قطاع الطريق درمسأله اول در «معنی المحارب» می‌نویسد: محارب کسی است که طبق آنچه خدای تعالی در آیه محاربه فرموده آنها قطاع الطريق هستند و کسانی هستند که سلاح میکشند و راهها را نا امن می‌کنند. (شیخ طوسی ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص: ۴۵۷)

وی سپس می‌فرماید: هرکس سلاح بکشد و موجب ترس و وحشت رهگذران شود چنانچه امام بر او دست یابد تعزیر میشود و حکمش نفی بلد است. (شیخ طوسی، همان، ص: ۴۵۷)

-صاحب غایه المرام در شرح سخن مرحوم محقق نوشته است: همه فقها معترف اند که محاربه یعنی کشیدن سلاح برای ترساندن مسلمین و این مختار مصنف و علامه و فرزندش فخرالمحققین است. وی سپس می‌نویسد اما هرگاه اقدام کننده به این عمل ناتوان از اخافه باشد شایسته نیست محاربه بخوانند. بنابراین چنین تجرید و اخافه ای با وجود ناتوانی درعمل سودی نمی‌رساند. و در این صورت چنین فعلی انجام و عدم انجامش یکسان است. (صیمری، ۱۴۲۰ ه ق ، ج ۴، ص: ۳۵۰)

گروهی دیگر از فقها درتعریف خویش از محاربه، اصولا به عبارت «لإخافة الناس» اشاره ای نکرده اند، از جمله:

-شیخ طوسی دراستبصار روایتی که از محمدبن مسلم آورده صرفا ناظر به تشهیر است و ذکر از عبارت «لإخافة الناس و اخافه السبیل» و مانند آن نیست: هرکس در شهری از شهرها سلاح آشکار کند و در نتیجه موجب تخدیر و نا امنی مردم شود به تلافی آن قصاص می‌شود. و از آن شهر تبعید می‌شود. و در صورتی که تشهیر سلاح در غیر شهرها باشد و کسی را بزنند و موجب تخدیر و نا امنی مردم شوند و مالی را بگیرند و لو آنکه کسی را نکشند، محارب محسوب میشوند. و مجازات آنها مجازات محارب است. و اختیار آن دست امام است، که اگر اراده کند او را بکشد و یا به دار زندو یادست و پای او را قطع نماید. (شیخ طوسی ۱۳۹۰ ه ق ؛ ج ۴، ص: ۲۵۷)

در مورد معنی محاربه از نظر قانونگذار ایران طبق ماده ی ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ محاربه عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان ، مال یا ناموس مردم یا ارباب آنهاست به نحوی که موجب نا امنی در محیط گردد. بدین ترتیب علاوه بر وجود سوء نیت عام سوء نیت خاص هم برای تحقق این جرم ضرورت دارد. رکن قانونی جرم محاربه از نظر ادله احکام آیه ۳۳ سوره ی مائده و از نظر قوانین موضوعه مواد ۲۷۹ الی ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی جدید می باشد. رکن مادی جرم محاربه انجام فعل مثبت مادی است و علنی بودن از خصایص آن است. قصد اخافه الناس اساس عنصر روانی این جرم را تشکیل می دهد. و اهل ریه بودن در آن شرط نیست در خصوص علل سقوط کیفر محاربه بیان می شود که اگر محارب پس از ارتکاب جرم توبه کند، در صورتی که توبه ی او قبل از دستگیری باشد حد از او ساقط می شود.

۴-۱- تفاوت محاربه و افساد فی الارض

محاربه و افساد فی الارض از چند جهت اختلاف دارند که عبارت اند از:

۱- محاربه عبارت است از برهنه کردن سلاح برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم، اما افساد فی الارض عبارت است از هرکس یا کسانی، بامرگونه رفتار آگاهانه و عمدی اقدام به رفتارهای موضوع ماده ۲۸۶ نماید مفسد فی الارض است..

۲- در محاربه عنصر مادی جرم، فقط از طریق به کار بردن سلاح و برهنه کردن و ایجاد اخافه و سلب آزادی از مردم صورت میگیرد؛ ولی در افساد فی الارض عنصر مادی به هر عملی با هر وسیله ای و به هر شکلی که گستره وسیعی را تحت الشعاع قرار دهد را شامل می شود و منحصر به سلاح و یا ابزار خاصی نیست.

پس عنصر مادی افساد : عبارت است از هرگونه رفتار که میتواند شامل فعل، ترک فعل یا گفتار و حتی نوشتار مانند نشر اکاذیب در فضای مجازی و یا رسانه ها نیز تحقق یابد.

۳- در محاربه تحقق عنصر مادی فقط به صورت فعل مثبت شرط است و باید علنی صورت گیرد، اما در افساد فی الارض چنانکه گفته شد عنصر مادی می تواند به صورت فعل، ترک فعل و گفتار حتی به صورت غیرعلنی صورت می گیرد.

۴- در محاربه هدف ایجاد اخافه و رعب و وحشت و سلب آزادی و امنیت در جامعه است، ولی در افساد فی الارض تکرار و گستردگی و خشونت و خسارت عمده و اخلال شدید به امنیت فردی و اجتماعی مورد نظر است. و می تواند از طریق محاربه و برهنه کردن سلاح و برهم زدن امنیت جامعه نیز صورت گیرد، به عبارت دیگر محاربه همچون بغی می تواند وسیله ای برای تحقق افساد فی الارض باشد.

۴-۲- تفاوت محاربه و سرقت:

با عنایت به مفاد محاربه و سرقت در اقوال فقها میتوان تفاوتهای زیر را میان این دو مقوله جزایی بر شمرد:

۱- بنا بر نظر مشهور فقها تحقق محاربه مشروط به بردن مال نیست، و محاربه بدون تعرض به اموال دیگران هم قابل تحقق است. در حالیکه در سرقت قصد بردن مال شرط است.

۲- محاربه بصورت علنی و قهر آمیز و همرا با خشونت است. ولی در سرقت شرط است که مخفیانه و بدون از چشم مالباخته و آرام صورت گیرد.

۳- در محاربه ایجاد ارباب و سلب امنیت و آزادی مردم شرط است ولی در سرقت چنین شرطی نداریم و به صرف ورود مخفیانه و بردن مال قابل تحقق است.

۴- عنصر مادی محاربه با اخلال در نظم عمومی و هجوم قهر آمیز به قصد سلب امنیت و آزادی محقق می شود، ولی عنصر مادی سرقت حدی با ورود غیر مجاز و مخفیانه و شکستن حرز و بردن یک چهارم طلای مسکوک تحقق می یابد.

۵- در محاربه بنا به قول مشهور در صورت اخذ مال، میزان مال برده شده (نصاب) در مجازات قطع اثری ندارد، ولی در سرقت حدی، شرط مجازات قطع، نصاب یک چهارم طلای مسکوک ارزش مال مسروقه است.

۶- جرم محاربه به لحاظ کیفیت وقوع ماهیتی عمومی دارد و دارای حیثیتی امنیتی است (به جهت تشهیر السلاح لآخافه الناس)، ولی جرم سرقت ماهیتی خصوصی دارد؛ البته سرقت مستلزم حد، ابتداء جرم خصوصی می باشد، ولی با جمع شدن شرایطی می تواند جنبه عمومی پیدا کند.

صرف نظر از بیان این تفاوتها، این بدان معنا نیست که هیچ رابطه ای میان این دو نیست. البته برخی سرقت ها در حکم محاربه هستند؛ مانند «لص». رابطه آن دو عموم و خصوص من وجه است. یعنی بعضی سرقت ها محاربه است و بالعکس، و آنچه بعضی محاربه ها سرقت اند (سرقت کبری) و بالعکس.

۵- افساد فی الارض

۵-۱- مفهوم اصطلاحی افساد فی الارض

می توان گفت فساد عبارت است از ایجاد اختلال در امور و دستورات الهی با ایجاد نا امنی و هرگونه کجروی فردی و اجتماعی که دامنگیر جامعه اسلامی شود، و جامعه را در سطح وسیعی تحت شعاع قرار دهد، بگونه ای که در وضعیت کلی جامعه و حال افراد خلل و نقصان مادی و معنوی ایجاد نماید و سیر کمال و صلاح انسانی را تحت شعاع خود قرار دهد و مصالح مورد احترام جامعه را مخدوش نماید.

زیرا کشتن آنها درحین جنگ مجاز بود و نه پس از جنگ و امان و بلکه کشتن آنها از نظر فقها بالاتفاق ممنوع است. زیرا پس از جنگ موضوع بغی منتفی شده و باغی معصوم الدم می شود. (عوده ۱۹۹۴م، ج ۲ ص ۶۸۵)

۴- مجازات مفسد با عنایت به تصریح آیات فراوان قرآنی از جمله آیتین ۳۳ و ۳۲ و سوره مائده اعدام می باشد. اما برای باغی و بغات حد شرعی ذکر نشده است. بلکه در قرآن فقط دستور قتال و جهاد علیه آنها داده شده است. و اگر حین جنگ کشته شدند خون آنها هدر است.

۵- اموال و املاک و ضیاع و عمارت و مایملک مفسدان در شرایطی ثبت و ضبط و توقیف می شود و به نفع مستحق و زیان دیده مصادره و تملیک می شود. درحالیکه اموال و املاک و ضیاع و عمارت و مایملک بغات مسلمان از تعرض مصون بوده و جز در صورت ضمان مصادره نمی شوند.

۵-۳- تفاوت‌های افساد فی الارض با محاربه

محاربه عبارت است از تشهیر سلاح برای ایجاد رعب و وحشت و سلب آزادی و امنیت مردم و آسایش عمومی است، درحالیکه افساد فی الارض عبارت است: از هرگونه رفتار آگاهانه و عمدی که موجب اخلاص شدید و گسترده و زیانبار و خشونت آمیز در امور مجرمانه و نیز مزخمل امنیت و ثبات و سلامت نظام جامعه اسلامی بصورت محلی و یا ملی است.

۶- بغی

۶-۱- مفهوم اصطلاحی بغی

به عقیده اکثریت فقهای مذهب شیعه چنانچه یکی از امامان معصوم حاکم باشد امکان بی عدالتی و ستم ورزی به کسی از سوی او وجود ندارد؛ زیرا امام معصوم به دلایل عقلی و نقلی با توجه به برهین کلامی معصوم هستند و هرگز شخصاً به کسی ستم روا نمی دارد. اما اگر حاکم غیر معصومی در زمان غیبت امام معصوم مرتکب ستم و بی عدالتی شود منعزل می گردد و این حکم اتفاقی است. زیرا در این صورت چنین حاکمی فاقد وصف عدالت می شود و فاسق محسوب می گردد. فقهای ظاهری و مالکی در این قضیه با امامیه هم عقیده اند و دلیل آنها مجموعه روایاتی است که از طریق سنت و جماعت منقول است.

بنابراین مفهوم اصطلاح فقهی افساد فی الارض از معنای لغوی آن دور نیست. بطور خلاصه می توان گفت افساد فی الارض عبارت است: «از هر فعل و یا ترک فعلی که جنبه افراط و خروج از حد معمول و متعارف داشته باشد و اثرات و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی و فرهنگی ببار آورد و موجب اخلاص شدید و یا خسارت عمده گردد» افساد فی الارض محسوب می شود. «بطور خلاصه می توان گفت: «هر رفتار مجرمانه ای که بموجب وجود اوصافی چون وسعت و گستردگی علیه تمامیت جسمانی، افراط و تکرار، و هتک شدید حیثیت و مکارم انسانی و اشاعه وسیع فحشا و بی قیدوبندی جنسی، و موجب خسارت عمده به اموال عمومی و خصوصی و اخلاص شدید به نظم و امنیت ملی داخلی و خارجی شود» افساد فی الارض نامیده می شود، و مرتکب به حکم مفسد فی الارض محکوم می گردد.»

۵-۲- وجوه تمایز افساد فی الارض با بغی

فقهای امامیه و عامه در تعریف بغی و قیام مسلحانه علیه حکومت اسلامی چندان اختلافی با هم ندارند، اما از آنجاکه به عدم شرط عدالت در امام و رهبر مسلمانان معتقدند، بغی را اینگونه تعریف کرد ه اند «هرگاه مسلمانان بر پیشوایی و رهبری کسی اتفاق کردند هر کس از اطاعت او خارج شود و خواهان مقام امامت او باشد با او به سهل ترین صورت بجنگید و او را دفع کنید. (محقق حلی، ۱۴۰۸ ه ق ج ۲، ۲۵۷؛ و ابن قدامه المغنی ۱۴۰۵ ق ج ۷، ص ۵۲۵)

۱- افساد فی الارض هرگونه رفتار خشونت آمیز و خسارت بار و یا اقدام غیر متعارف و نامشروع متعمدانه ی فردی یا گروهی، علیه غیر است؛ بطوری که واجد همه یا یکی از اوصاف مشدده، مکرر و وسیع و گسترده و عمده و مخل نظم عمومی و تاجر وجدان بشری می باشد. در حالیکه بغی قیام به خروج علیه امام عادل و بحق و به قصد خلع او صورت می گیرد.

۲- از آنجا که افساد فی الارض جرمی فراملی و فرامذهبی است فرقی میان مسلمان و غیر مسلمان در ارتکاب آن نیست. ولیکن اطلاق وصف مجرمانه باغی فقط در مورد مسلمانی که دارای نظریه اجتهادی ولو آنکه خطاء و اشتباه است تحقق می یابد.

۳- در افساد فی الارض مفسد به جهت افساد و رفتار شدید تبهکارانه علاوه بر مجازات اصلی، ضامن همه حقوق الناس می باشد. و توبه او تاثیری در تخفیف مجازات او ندارد ولی در حقوق الله توبه مسقط خواهد بود. ولی باغی پس از پایان جنگ و توبه در امان است و حتی بخاطر ارتکاب قتل قصاص نمی شود.

موضوع به یکدیگر مخلوط و مشتبه می‌شوند. وای بسا در مقام قضاوت و دادرسی در مورد بغی و جرم سیاسی، حکم محاربه صادر و اجرا گردد. در صورتی که این دو پدیده جنایی حکماً و موضوعاً دومقوله متمایز از هم بوده و ماهیتاً کاملاً با هم متفاوت و منفک هستند.

برخی نویسندگان وجوه تمایز و افتراقی برای این دو تاسیس فقه جزایی بر شمرده اند که ذیلاً مورد ملاحظه قرار می‌گیرند:

۱. بغی، قیام و تعرض علیه حکومت و همان جرم سیاسی است. ولی محاربه، قیام علیه مردم و امنیت جامعه است و جرم عمومی و اجتماعی محسوب می‌شود.

۲. در مقوله بغی، عنصر تشکل و گروهی بودن شرط است و عاملان آن را «فئۀ با غیه» یعنی گروه سرکشی می‌نامند؛ ولی در محاربه گروهی بودن و تشکل به آن معنا شرط نیست و یک نفر هم می‌تواند شمشیر و سلاح به دست بگیرد و شرارت کند و امنیت جامعه و مردم را سلب نماید، که در این صورت محارب نامیده می‌شود.

۳. در محاربه عنصر به کارگیری سلاح، ارعاب و تهدید با اسلحه سرد و گرم شرط است؛ ولی بغی و جرم سیاسی بدون سلاح و حتی در قالب گفتار و اعتراض نیز می‌تواند تحقق پیدا کند.

۴. در محاربه عنصر ارعاب مردم و ایجاد رعب و وحشت در جامعه شرط است؛ ولی در بغی و جرم سیاسی چنین شرطی وجود ندارد. بدون ارعاب مردم و با روش آرام و مسالمت آمیز و صرفاً با ایجاد بدبینی در میان مردم نسبت به حکومت و حاکمان و از طرق مختلف دیگر نیز می‌تواند تحقق پیدا کند.

۵. بغی و جرم سیاسی بر اساس یک فکر، اندیشه و اعتقاد، گرچه به طور واهی و خیالی و با مطالبات و انگیزه‌های سیاسی و اعتقادی صورت می‌گیرد، ولی محاربه از عنصر فکر، اندیشه و اعتقاد تهی است. صرفاً با انگیزه‌های مادی، زورگویی، باج‌گیری و بلکه گاهی بی‌هدف و از روی شرارت انجام می‌گیرد. محارب در روایات با عنوان «من سلّ سیفه» مطرح است. یعنی هرکس که شمشیر، چاقو و یا هر نوع سلاح سرد یا گرمی را به دست گیرد و عریان کند در کوچه، بازار، ملاء عام مردم را بترساند و یا معابر، راه‌ها و جاده‌ها را ناامن سازد و یا راهزنی کند و از جامعه و مردم سلب امنیت نماید، آزادی و آرامش آنان را مورد تهدید قرار دهد، همه آنها را «محارب» و این‌گونه اعمال را «محاربه با خدا و رسول خدا» می‌نامند.

شیخ طوسی در کتاب خلاف در باره بغات می‌نویسد: «بغی کسی است که بر امام عادل خروج نموده و با وی به مبارزه برخاسته و از واگذارن حق بر وی امتناع ورزد». بغی اسم ذم است و برخی معتقدند که شورشگر علیه امام کافر است. لفظ امام از نظر امامیه به معنای یکی از ائمه دوازده گانه علیهم السلام است. (شهید ثانی، ج ۲ ص ۲۹۸)

در نظر فقهای اهل سنت منظور از امام و خلیفه عبارت است از رئیس دولت و یا همان حاکم عمومی مردم می‌باشد. و منظور از امام اعظم و یا رئیس الاعلی نیز همان خلیفه و امام می‌باشد که بعد از او هیچ امام و رئیس بالاتری برای دولت اسلامی تصور نمی‌شود. (عوده ج ۱ پاورقی ص ۱۰۲)

فقهای اسلام در رابطه با مفهوم اصطلاحی بغی فقها تعاریف متفاوتی عرضه داشته اند که مهم‌ترین نظرات آنها در یک دسته‌بندی به این شرح است:

الف) عده‌ای از فقیهان در تعریفی که از بغی ارائه داده‌اند، آن را شامل خروج امام معصوم (ع) می‌دانند. (عاملی (شهید اول)، ۱۴۱۰ ق، ص ۸۳؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ ق، ص ۴۸۰)

ب) دسته‌ای دیگر از فقها، بغی را خروج بر امام عادل می‌دانند و می‌گویند: «بغی کسی است که بر امام عادل خروج کند» (نجفی اصفهانی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱، ص ۳۲۲؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۳۵)

ج) قول مشهور اهل سنت آن است که خروج بر امام را مطلقاً بغی می‌دانند؛ بدون قید عدالت و وصف عادل بودن. اینها می‌گویند بغات «گروهی هستند که با توجیه و تأویل هر چند باطل با امام مخالفت کرده و بر خروج نموده اند.» (عوده ۱۹۹۴ م، ج ۱ ص ۱۳۸)

۶-۲- تفاوت بغی (جرم سیاسی) با محاربه

مسأله مهمی که در بحث محاربه قابل طرح است، شناخت مرز محاربه و بغی و تفاوت این دو عنوان مجرمانه است. چون این دو جرم، وجوه تشابه و قرابت‌هایی با هم دارند و دارای مرز مشترک و نیز آثاری مشترک می‌باشند؛ چه آن‌که در بغی و جرم سیاسی نیز مانند محاربه، گاهی آشوب و تشنج در جامعه به وقوع می‌پیوندد و موجب اخلال در نظم عمومی و اجتماعی می‌شود. بدین جهت در برخی از موارد این دو



بنابراین هر کدام از فتنک و اغتیال از جهتی اعم و از جهتی اخص می‌باشد. اما در اصطلاح و محاورات معمولاً دو کلمه مذکور مترادف می‌باشند؛ مثلاً در بحار الأنوار از کتاب مجالس مفید و غیره نقل شده است که: «ابن ملجم لعنه الله قتل علیاً علیه السلام غيلةً و فتکاً». (اصفهان، مجلسی ۱۴۱۰ هـ ق، ج ۲۹، ص ۴۷۲؛ و ج ۵۰، ص ۱۶۸).

می‌توان گفت: فتنک بیشتر در مواردی استعمال شده که تأمین در کار بوده است؛ مثلاً در ملاقاتی که معاویه با عایشه داشت و با او مشاجره می‌کرد، عایشه به او گفت: آیا نمی‌ترسی که من کسی را سر راه تو برای کشتن بنشانم؟ و معاویه در جواب گفت: تو در حالی که من در خانه‌تو و در امان تو هستم چنین کاری نمی‌کنی؛ زیرا از پیامبر شنیدم که فرمود: «الإیمان قید الفتک». (الامام احمد حنبل، ۱۴۱۶ ق ج ۴، ص ۹۲؛ و نک: حاکم نیشابوری، ج ۴، ص ۲۵۲ و ۲۵۳ با اندک تفاوت)

همچنین جناب مسلم بن عقیل رضوان الله علیه در جریان قرار کشتن ابن زیاد توسط او در منزل جناب هانی رضوان الله علیه روایت: «الإیمان قید الفتک» را که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده بود، مستند ترک قتل قرار داد. مطابق نقل‌های تاریخی ابن زیاد برای عیادت از هانی به منزل او آمده و در امان او بود. در مکاتیب الرسول نیز آمده است: در کتاب عون المعبود آمده: «الفتک هو القتل بعد الأمان غدرًا». (احمدی میانجی ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۴۰).

و در حاشیه بحار آمده است: معنای حدیث: «الإیمان قید الفتک» این است: «الإیمان یمنع من الفتک الذی هو القتل بعد الأمان غدرًا». (اصفهان، مجلسی دوم، ج ۴۴، ص ۳۴۴).

بنابراین در مواردی که فضای جنگی اعم از منظم یا غیر منظم وجود داشته باشد و تأمین در بین نباشد فتنک صادق نیست، در این گونه موارد معمولاً تعبیر «خدعه» یا «غدر» به کار می‌رود.

می‌توان گفت: در جایی که فتنک و اغتیال با هم به کار برده شده است، مقصود از «فتک» کشتن علنی و چهاراً، و مراد از «اغتیال» کشتن به شکل مخفیانه و غیرعلنی است به نحوی که قاتل شناخته نشود.

۷-۲- کیفیت جواز و عدم جواز ترور مهدور الدم شرعی

محل بحث در جواز یا عدم جواز فتنک و اغتیال مواردی است که شخص به یکی از اسباب شرعی ذیل مهدور الدم باشد، وگرنه اگر مهدور الدم نباشد حرمت کشتن او - چه به شکل فتنک و اغتیال باشد

۶. بغی و جرم سیاسی - گرچه به ظاهر و در ادعا و یا پندار عاملان آن - به عنوان دفاع از حقوق و آزادی‌ها مردم در برابر قدرت و حکومت انجام می‌گیرد، ولی محاربه درست به عکس جرم سیاسی، مسقیماً علیه حقوق، آزادی و آرامش مردم ضعیف و بی‌پناه خدا و سلب امنیت جامعه به وقوع می‌پیوندد.

۷. مسأله بغی و جرم سیاسی و مسأله محاربه هر دو در حقوق اساسی مردم مطرح می‌شوند، ولی به طور معکوس یعنی در جرم سیاسی تخفیف در مجازات مجرمین سیاسی و رعایت حقوق آنان از سوی حکومت، در مقوله حقوق اساسی مردم و حفظ آزادی‌های آنان می‌گنجد ولی در محاربه تشدید مجازات اشرار و محاربین و برخورد شدید با آنان به وسیله حکومت، در محدوده حفظ حقوق، امنیت، آرامش و آزادی مردم جای می‌گیرد. بدین جهت آزادی خواهان و جوامع آزاد و دموکراتیک معمولاً طرفدار رعایت و حمایت از حقوق متهمان و مجرمان سیاسی و سرکوب اشرار و محاربین هستند.

۷- فتنک و اغتیال

۷-۱- معنای لغوی فتنک و اغتیال و تفاوت آنها

در رابطه بامعنای لغوی فتنک و اغتیال و تفاوت آنها با یکدیگر باید دانست که؛ فتنک و اغتیال هر دو به معنای حمله ناگهانی و غافل‌گیرانه به شخص است، منتها در فتنک نوعی تأمین به فرد مورد فتنک وجود دارد، ولی اغتیال از این نظر اعم است؛ و در اغتیال بردن فرد مورد اغتیال به محلی مخفی ملاحظه شده است، ولی فتنک از این نظر اعم است. (معلوف ۱۳۸۲ ش، ماده غول)

ماده فتنک و غیل در نهایت این‌اثر ماده غیل آمده: «الغيلة أن یخدعه ثم یقتله فی موضع خفی...» در لسان العرب از ابوالعباس نقل شده است که اغتیل در جایی است که مقتول قاتل را نمی‌شناسد، ولی فتنک در جایی است که مقتول قاتل را مشاهده می‌کند و می‌بیند. (ابن منظور ۱۴۱۴ هـ ق ماده غیل)

در مجمع‌البحرین آمده است: «فتک: انتهاز منه فرصة فقتله او جرحه مجاهرة او اعم». و در ماده غیل آمده: «اغتیل هو من الاغتیال و هو ان یخدعه فیذهب به الی موضع فاذا صار الیه قتله... ینال فلان قتل غيلة ای خفیه». (طریحی ۱۴۱۶ هـ ق، ماده فتنک و غیل)

پس در اغتیال بردن مقتول یا مجروح در محلی مخفی و ندیدن قاتل و جرح ملاحظه شده است؛ اما در فتنک دو قید مذکور ملاحظه نشده است، بلکه چه بسا مشاهده قاتل و جرح قید شده است.

می‌رفت، حکومت وقت با تمسک به چنین بهانه‌ای، اقدام به قتل عام شیعیان به عنوان مخالفان نظم عمومی، امنیت و آسایش مردم می‌کرد. و لذا در برابر یک خون یک ناصبی، جان بسیاری از شیعیان به خطر می‌افتاد. ضمن این که قتل سبب النبی در حضور امام، نیاز به اذن امام یا نماینده قانونی وی دارد و امام، چنین اذنی را ندادند.

نکته دیگر، این که ترور به دلیل ماهیت غیر قانونی و ناجوان‌مردانه و ظالمانه‌اش نمی‌تواند راهی برای اجرای حکم حق الهی چون قتل سبب الامام باشد؛ لذا حتی برای اجرای حکم خدا نیز نمی‌توان از هر وسیله‌ای مدد جست.

۲- مرتد فطری مرد با شرایطی که در فقه آمده است. ۳- محارب با تعریف و شرایطی که در جای خود ذکر شده است. ۴- باغی با شرایط مقرر. ۵- جاسوس. ۶- ناصبی. ۷- کافر حربی یا کافر ذمی یا مستأمن یا معاهد که نقض ذمه و عهد و شرایط امان کرده باشد.

۸- قاتلی که قتل او در دادگاه صالح ثابت شده و از دست حاکم یا اولیای دم فرار کرده باشد. (منتظری، ص: ۸۲) (با اندکی تصرف و تلخیص)

در تمام این موارد نیز، مانند مورد سب، باید جرم موجب حد شرعاً در دادگاه شرعی ثابت شده باشد؛ و ثبوت آن یا به اقرار است- با شرایط مقرر آن، و از آن جمله در حال طبیعی بودن و در زندان و تحت فشار و اکراه و ترس نبودن- و یا با بیینه. البته اتهام قتل با قسامه نیز ثابت می‌شود. و اجرای حد نیز توسط حاکم صالح است.

بطور کلی بهانه‌هایی چون مهدورالدم و تکفیر و نیز توسل به زور منفی چون ترور در حق افراد ممنوع است؛ بلکه باید به صورت علنی در دادگاه اسلامی و توسط قاضی جامع الشریط، محاکمه و محکوم گردد.

مسئله‌ای که در این جا ممکن است مطرح شود این است که اگر ترور از نظر اسلام مردود است پس چرا در برخی احکام و فتاوا دیده می‌شود که به مسلمین اجازه داده شده است که برخی افراد مهدورالدم را هر جا که یافتند به قتل برسانند بنظر می‌رسد این گونه فتاوا و چنین اقدام به قتل‌هایی، تفاوتی با ترور نداشته و شرعاً مردود هستند.

۷-۳- حرمت ترور در خارج از مرزهای اسلامی

یا به هر شکل دیگری- از ضروریات دین است؛ هر چند به نحو فتک و اغتیال، حرمت و قبح آن اشد و اعظم خواهد بود. اسباب مهدورالدم بودن عبارتند از:

۱- سب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه علیها السلام و ائمه معصومین علیهم السلام، بلکه سب انبیای الهی علیهم السلام، البته اجرای حکم سب با رعایت شرایط شرعی پس از ثبوت سب در دادگاه صالح است به چند دلیل:

دلیل اول: مرفوعه علی بن ابراهیم از بعضی اصحاب امام صادق علیه السلام است. (کلینی ۱۴۰۷ ه ق ج ۷، ص ۳۷۶، حدیث ۱۷).

دلیل دوم: روایاتی است که دلالت می‌کند بر این که اقامه حد باید توسط کسی باشد که حق حکم کردن را دارد. (شیخ مفید بغدادی، ص ۸۰۹- ونک: حر عاملی، ابواب مقدمات الحدود، باب ۲۸، ج ۲۸، ص ۴۹ و ۵۰).

- حکم فتک با توجه به روایات مشهور و معتبری که در این زمینه وارد است روشن می‌باشد.

بعنوان نمونه: روایت معتبر ابوصباح: ابوصباح کنانی به امام صادق (ع) عرض کرد: همسایه‌ای داریم از همدان که وقتی فضایل حضرت علی (ع) را یادآور می‌شویم، نسبت به ایشان ناسزا می‌گوید. به خدا قسم اگر اجازه دهید در کمین وی می‌نشینم و با شمشیر او را می‌کشم. حضرت در پاسخ فرمودند: «یا اباصباح، هذا الفتک فقد نهی رسول الله عن الفتک. یا اباصباح، ان الاسلام قید الفتک» (حر عاملی، ج ۱۹، ص ۱۶۹ ونک: کلینی، ج ۷، ص ۳۷۵).

(ای اباصباح! این عمل ترور است و رسول خدا از ترور نهی فرمودند. ای اباصباح! اسلام ترور را منع کرده است.)

«در اسلام، حکم سب النبی و سب الامام، یکی است، اما با این حال، امام صادق (ع) مانع ترور سب‌کننده شدند. اگر چه این حکم در مورد شخص معینی وارد شده است، اما با توجه به ذیل روایت که به طور مطلق می‌فرماید رسول خدا از فتک نهی فرموده و اسلام، مانع ترور است، می‌توان استفاده کرد که ترور، همیشه و در همه حال، ممنوع است» (محقق اردبیلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۸۶).

برخی گفته‌اند با توجه به این که سبب الامام، مهدورالدم است و قتل او جایز است علت این که امام، ترور این شخص را اجازه ندادند به مصلحت شیعه نبودن بوده است؛ چرا که در صورتی که در زمان حکومت حکام جائز، اقدام به چنین عملی می‌شد و احیاناً قضیه لو

همسایه من (جعده بن عبدالله) که با شنیدن نام عل(ع) آنحضرت را سب مینماید، اجازه کشتن اورامیدهید: حضرت فرمود: «ای ابالصباح! این فتک است و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن نهی کردند. إن الإسلام قید الفتک...» (کلینی، ج ۷، ص ۳۷۵).

۲- همچنین در بحار الأنوار از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که:

«الإیمان قیدالفتک». (اصفهانی، مجلسی دوم، ج ۵۰، ص ۱۶۸).

۳- بنابر نقل تواریخ، جناب مسلم بن عقیل رضوان الله علیه نیز در خانه هانی (رحمه الله) حدیث فوق را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد.

۴- در کتب اهل سنت نیز حدیث: «الإیمان قیدالفتک» از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است. (سجستانی، ابی داوود، کتاب جهاد، باب ۱۵۷، ج ۲، ص ۹۶؛ و نک: متقی ۱۳۹۸ ق ص ۵۷، حدیث ۱؛ حاکم نیشابوری بی تا، ج ۴، ص ۳۵۲؛ بخاری الجعفی ۴۲۲ ق، کتاب جهاد، ج ۲، ص ۱۷۴).

۶-۷- نگاه اجمالی به ترورهای منسوب به دستور به پیامبر (ص)

دسته اول: کسانی که به خاطر قتل یا جاسوسی و یا در جنگ کشته شدند. بعنوان نمونه:

۱- عبدالله خطل یا اخطل. گفته شده وی چون غلام خویش را که مسلمان شده بود و مظلومانه کشت و خودش هم از اسلام مرتد شد توسط سعید بن حرث مخزومی در حالی که خودش را به پرده‌های کعبه چسبانده بود بین رکن و مقام کشته شد. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق ج ۲، ص ۲۴۹؛ و تاریخ یعقوبی بی تا، ج ۲، ص ۵۹).

۲- مقیس بن صُبابَة یا حبابَة. یکی از انصار برادر او را از روی خطا کشته بود ولی او آن انصاری را کشت و سپس هم مرتد شد و به مشرکان پیوست. سپس نمیلَة بن عبدالله کنانی به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را کشت. و گفته شده است که مردم او را بین صفا و مروه کشتند. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، همان ج ۲، ص ۲۵۰).

دسته دوم: مردان و زنانی که- بنابر نقل بعضی تواریخ- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در جریان فتح مکه دستور قتل آنان را صادر کردند.

از آنچه گفته شد به دست آمد که فتک و اغتیال افراد مهدورالدم که در حال جنگ با اسلام و مسلمانان و یا تدارک و حمایت از آن نباشند از نظر دینی امری قبیح و مورد نهی است. و در این جهت فرقی نمی‌کند که این افراد در محدوده کشور اسلامی باشند یا در خارج آن. و این تصور که چنانچه آنان در خارج کشور اسلامی باشند کشتن آنها به شکل فتک جایز است زیرا به امنیت داخلی ضرری نمی‌زند.

از مطالب پیش گفته، روشن شد که اسلام، نه تنها با تروریسم، سازگاری ندارد؛ بلکه با آن، تحت عناوین محاربه، فتک، اغتیال، بغی و غدر، و امثالهم برخورد جزایی کرده، برای مرتکبین، مجازات معین کرده است. و اتهامات وارده از سوی برخی افراد و گروهها مغرضانه و غیرواقع بینانه است.

۷-۴- مقتضای اصل اولی در مورد فتک و اغتیال

یادآوری می‌شود در تمام مواردی که جرمی موجب حد یا تعزیر است، اصل اولی این است که هیچ کس ولایت ندارد جز در مواردی که ولایت او از طرف شارع احراز شده باشد.

مقتضای اصل اولی در مورد فتک و اغتیال شخص مهدورالدم و نیز مقتضای روایات مربوط به فتک. درست است که از حکم شارع به مهدورالدم بودن او به برهان «إن» کشف می‌نماییم که شارع ولایتی را بر اجرای حکم خود نیز اعطا کرده است و گر نه جعل چنان حکمی لغو می‌بود ولی محدوده ولایت و اطلاق آن نسبت به اجرای حکم حتی به شکل فتک و اغتیال مشکوک می‌باشد. چون در مقام ثبوت امکان دارد ولایت بر اجرای حکم مهدورالدم محدود به غیر فتک و اغتیال باشد؛ و در مقام اثبات نه فقط دلیل عام یا مطلق برای اثبات آن در دست نیست، بلکه مقتضای اصل اولی نیز عدم چنین سلطه‌ای می‌باشد. به علاوه مقتضای روایات دال بر نهی از فتک و اغتیال- که ذکر خواهد شد- نیز مطابق با اصل اولی است. (منتظری، همان ص: ۸۲) (با اندکی تصرف و تلخیص)

۷-۵- مقتضای روایات دال بر نهی از فتک و اغتیال

روایات نهی از فتک در برخی روایات شیعه و سنی که به آن اشاره می‌گردد، از طرف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فتک مورد نهی قرار گرفته و ایمان و اسلام قید و مانع از آن دانسته شده است:

۱- از طریق شیعه در کافی آمده است: علی ابن ابراهیم از ابی الصباح کنانی نقل کرده که به امام صادق علیه السلام گفته است: آیا

۸- مفهوم غدر

مجمع البحرین، غدر را به معنای «ترک وفا و نقض عهد» تعریف کرده است. تحریم غدر، براساس نظر صاحب جواهر، اجماعی و بدون مخالف است. دلایل آن، علاوه بر قبیح ذاتی و ایجاد تنفر و بدبینی مردم از اسلام که دلایلی عقلی هستند، روایاتی است که در کتب معتبر، وارد بوده و مورد استناد فقهاست. (نجفی الاصفهانی ۱۴۰۴ ه ق ، ، ج ۲۱، ص ۷۸).

۸-۱- رابطه غدر با اقدامات تروریستی

یکی از ضروری‌ترین روابط بین انسان‌ها روابط حقوقی است که با انعقاد پیمان، تبلور می‌یابد. بقای جامعه انسانی مبتنی بر وجود امنیت در این قبیل روابط است و لازمه چنین امنیتی، امکان اعتماد انسان‌ها به یک دیگر است. از جمله قراردادهای مورد قبول اسلام در رابطه با غیرمسلمین، پیمان صلح و مهادنه (قرارداد ترک مخاصمه و آتش بس) و نهاد امان است که عمل بدان، طبق ضوابط شرعی، لازم بوده و تا وقتی، طرف مقابل، اقدامی علیه آن مرتکب نشده است، پایبندی به آن واجب است.

خروج: در لغت به معنای بیرون شدن و بیرون آمدن وطنیان کردن و سرکشی و عصیان و قیام کردن آمده است. پس خروج لغتی است به معنای بیرون شدن. (دهخدا، ۱۳۷۷ش، ذیل واژه خروج)

بنابراین، مراد از خروج بر عبارت است از آن که فرد یا گروهی بدلائل و اغراض ستیزه جویانه واز روی عناد و بر اساس توجیهات باطل در برابر حاکم عادل اسلامی اقدام به قیام و شورش نمایند واز اطاعت او سر پیچی نمایند.

۹- کودتا

واژه «کودتا»، به فرانسوی «coup d'état» از زبان فرانسوی وارد زبان فارسی شده است؛ و به معنی «ضربه ناگهانی به دولت» است. تا چندی پیش تصور بر این بود که تنها ضربه ناگهانی نظامیان به دولت مستقر می‌تواند فراهم کننده کودتا باشد. با این حال موسسه‌های نظریه پردازی غربی و سازمان‌های خصوصی وابسته به سرمایه داران بزرگ صهیونیستی، نشان داده‌اند، می‌توان همان تعریف عام «هر ضربه

مردها عبارتند از: ۱- عکرمه بن ابی جهل. ۲- صفوان بن امیه بن خلف. ۳- عبدالله بن سعد بن ابی سرح. ۴- عبدالله بن خطل. ۵- حویرث بن نقیذ. ۶- مقیس بن صبابه. ۷- عبدالله بن زبیری. ۸- حویطب بن عبدالعزی.

و زنها عبارتند از: ۱- هند دختر عتبه. ۲- ساره ۳ و ۴- دو کنیز عبدالله بن خطل. (اسامی دو جاریه فوق بنا بر نقل یعقوبی «قریبه» و «فرتنا» می‌باشد. یعقوبی بی تا همان، ج ۲، ص ۵۹ و ۶۰).

بنابراین افراد فوق که دستور قتل آنها در برخی از تواریخ ذکر شده، حتی اگر صحت این نقل‌ها را بپذیریم، اولاً: همگی در مبارزه با پیامبر و ایجاد آتش جنگ علیه مسلمانان دخالت داشته، بلکه جزو مهره‌های اساسی بوده‌اند.

و ثانیاً: دستور کشتن آنها به خاطر ارتداد نبوده است؛ زیرا بعضی از اینان به کفر خود باقی بودند، مانند حویرث بن نقیذ که در مکه پیامبر را بسیار اذیت می‌کرد و با کلمات زشت و وقیح به آن حضرت توهین می‌کرد؛ (یعقوبی، بی تا، همان، ج ۲، ص ۵۹ و ۶۰؛ نک: مقریزی ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۳۹۹).

دسته سوم: موردی است که گفته شده فقط به خاطر ارتداد دستور قتل او توسط پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم داده شده است.

دسته چهارم: کسانی که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا زنان آن حضرت و مسلمانان را هجو کرده و علیه مسلمانان تدارک جنگ می‌کردند. از جمله

۱- ابوعفک یهودی. وی شاعر بود و مداوم پیامبر(ص) را مورد هجو و هتک قرا میداد و مسلمانان را آزار و اذیت میکرد. و مردم به تحریک و تشویق علیه پیامبر(ص) بسیج می‌کرد. لذا سالم بن عمیر نذر کرد که او را بکشد یا در این راه کشته شود و سرانجام موفق شد و او را کشت. (دیار بکری بی تا، ج ۱، ص ۴۰۸؛ و نک: واقدی ۱۴۰۹ق همان، ج ۱، ص ۱۷۴ و ۱۷۵).

۲- عصماء دختر مروان وی پس از قتل ابوعفک پیوسته اظهار مصیبت می‌نمود و علیه اسلام و مسلمانان عیب‌جویی و بدگویی را شروع کرد و انصار را به خاطر پیروی از پیامبر سرزنش می‌کرد و چون طبع شعر داشت با اشعار خود پیامبر را مورد هجو و توهین قرار می‌داد و این عمل را تا بعد از جنگ بدر ادامه می‌داد. سپس شیعی عمیر بن عوف به خانه او رفت و او را کشت. (دیار بکری، ج ۱، ص ۴۰۶ و ۴۰۷؛ واقدی ۱۴۰۹ق همان، ج ۱، ص ۱۷۲ و ۱۷۳).

عبارت است از شخص یا اشخاصی که نسبت به عملکرد حاکم و شیوه حکمرانی او ایراد و اشکال دارد و ناراضی خویشتن را با تظاهرات و قیام های آرام و مسالمت آمیز مدنی در قالب تظاهرات و راهپیمایی خیابانی و تاختن و همایشها و یا ایراد نطق در خیابان ها و میادین شهر ها و روستا ها ابراز می کنند.

۱۲- معاند (خصم و دشمن)

مراد از معاند کسی است که با انگیزه عقیدتی و سیاسی علیه حاکم و نظام اسلامی بالمباشره یا بالتسبیب اقدام یا دعوت به شورش و قیام و نافرمانی نماید و با این تعریف معاند منصرف از باغی است و شامل کودتا گران و براندازان می شود. در نگاه معاند نظام سیاسی حاکم مشروعیت ندارد و می بایست تغییر کند

۱۳- نتیجه تحقیق

دانستیم جرایم و پدیده های مخل نظام اجتماعی بشر برخی جنبه شخصی دارند، یعنی متعارض و متزاحم با حقوق اشخاص و افراد جامعه اند و ارتباطی با کل جامعه ندارند. مانند قتل، سرقت، کذب، و... و برخی جنبه عمومی دارند و در ارتباط با کل جامعه و مصالح اجتماعی هستند و مستقیماً بر مصلحت عموم افراد جامعه و سازمان های اجتماعی اثر نامطلوب می گذارند. مانند جرایم جعل اسکناس، جاسوسی، شورش و قیام مسلحانه، سرقت و راهزنی مسلحانه، قاچاق کالا و انسان، کودتا، فتنه، توطئه و تحریک به تمرد و نافرمانی مدنی و بغی و قیام و خروج علیه حاکمیت موجود و محاربه و قتال و مبارزه و مقاومت و افساد فی الارض و دهها مصداق دیگر اینها از جمله پدیده های مجرمانه و جرایمی است که از آنها به عنوان جرایم علیه امنیت ملی و مصالح اجتماعی و مخل نظام اجتماعی و امنیت و آرامش و آسایش عمومی نام برده می شوند. و البته امروزه جرایم پیچیده تر و بسیار حرفه ای تر از گذشته ارتکاب می یابند و به مراتب اثرات نامطلوب تری بر فرد و جامعه می گذارند. مهمتر آنکه برخی از آنها به لحاظ مفهومی و قلمرو دارای ابهام بوده و احیاناً تداخل می یابند و مرز تفکیکی و عناصر و ارکان مادی و معنوی آنها از حیث حقوق کیفری اسلام بسیار حایز اهمیت است. با این توصیف ضرورت آشنایی و تبیین مفهوم و قلمرو و ارکان و ابعاد این جرایم برای اهل فن و حتی آحاد جامعه بر کسی پوشیده نیست. بر همین اساس پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی-توصیفی ضمن احصاء و تبیین مفهومی، برخی از مهمترین جرایم حوزه امنیت و آسایش عمومی البته با تکیه بر فقه و حقوق کیفری اسلام را مورد بررسی قرار داد و اهمیت و ابعاد تخریبی آنها را برای جامعه و اهل تحقیق روشن نمود.

ناگهانی به دولت را از جانب «تعدادی از افسران و منتقدان سیاسی، نظامی و اقتصادی به همان معنای کودتا حمل کرد.

کودتاها معمولاً توسط طراحان با اهداف از پیش تعیین شده و صرفاً با پیام خشم و بر خورد نظامی و توسط افراد شاخص و محدودی که به خشونت و سفاکی و تندخویی معروفند صورت میگیرد.

بنابراین کودتا از جمله پدیده های شوم دفع حاکم است. بنظر میرسد در اسلام عناوینی چون فتنه و شورش و خیزش دفعی پنهانی و غیله و فتک را تاحدودی بتوان با آن همسو دانست.

کودتا سرنگونی ناگهانی و خشن دولت یا حکومت وقت توسط گروهی کوچک است. پیشنیاز اصلی یک کودتا، کنترل تمام یا بخشی از نیروهای مسلح است. برخلاف انقلاب که معمولاً توسط عده زیادی از مردم که برای تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به وقوع می پیوندد. کودتا تغییر در قدرت از بالا است، که صرفاً به جایجایی شخصیت های سیاسی حاکمیت می انجامد.

یک کودتا به ندرت بر سیاست های بنیادین اقتصادی و اجتماعی یک کشور تأثیر می گذارد. در دو سده اخیر کشورهای زیادی در آسیا، قاره آفریقا و آمریکای لاتین کودتا را تجربه کرده اند.

اخیراً اصطلاحات فراوانی مانند توطئه و فتنه و فعالیت تبلیغی علیه نظام و حاکم؛ نفوذی و جاسوس و امثال اینها در ادبیات سیاسی باب شده که تبیین و بحث مفصل در مورد آنها فرصتی دیگر را می طلبد.

۱۰- منتقد

کسی است که رفتار حاکم و نظام حکومتی او را مورد تجزیه و تحلیل قرار میدهد و نقات قوت و ضعف سیستم حاکمیتی را به تصویر می کشد. کارنقاد فی نفسه تبیین حقایق و کشف واقعیات می باشد. نقاد به روشنگری و شفاف سازی عملکرد حاکم و مجموعه کارگزاران حکومتی می پردازد. البته نقد باید واقع بینانه و منصفانه و بدور از حب و بغض ها و ترندهای سیاسی و جناحی باشد، بلکه باید در جهت حل معضلات و مشکلات و تقویت مخاسن و کاهش عبوب و نارسایی های صورت گرفته باشد و نباید به تخریب و تضعیف حاکم عادل و نظام حکومتی منجر نشود. بلکه منتقد می بایست چون ناصحی امین و ناطقی صریح و مشفق انجام وظیفه کند.

۱۱- معترض و مخالفت سیاسی (اپوزیسیون)

سپاسگزاری

از معاونت محترم پژوهشی به خاطر حمایت حمایت
معنوی در اجرای پژوهش حاضر سپاسگزاری می‌شود.
از آقای دکتر عبدالله علیزاده به خاطر بازبینی متن مقله
و ارائه نظرهای ساختاری تشکر و قدردانی می‌شود.
از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و
علمی سپاسگزاری می‌شود.
نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از آقای دکتر محمد
رسول آهنگران به خاطر مطالعه متن مقاله حاضر و ارائه
نظرهای ارزشمند سپاسگزاری نمایند.

بعنوان نمونه دانستیم ترور در لغت به معنی «ترساندن» است و در فرهنگ سیاسی جهان عبارتست از هرگونه اقدام خصمانه و مخفیانه ترس آور و رعب انگیز، علیه فرد یا افراد و جامعه هدف. اما تروریسم عبارت است از : «مجموعه اقدامات فردی و جمعی خشونت بار و انتحاری و تخریبگرانه که بصورت ظالمانه منافقانه و غافلگیرانه علیه افراد و شهروندان واقع می‌شود را اقدامات ویا عملیات تروریستی می‌نامند.»

آشکارترین تمایز ترور و تروریسم این است که هدف یک قاتل سیاسی یک شخصیت معین است و اسلحه برای از میان بردن او استفاده می‌شود، اما هدف یک اقدام تروریستی، گروهی است.

و اما در بیان تفاوت آن با محاربه، محاربه تنها در برگیرنده اقدامات تروریستی مسلحانه است و تنها این بخش از اقدامات تروریستی، قابل مجازات از باب محاربه است و حکم دیگر اقدامات تروریستی از باب محاربه استخراج نمی‌گردد؛ افزون بر این، محاربه کنشی بر ضد امنیت اجتماعی است و هدف آن مردم است، در حالی که تروریسم، اقدامی بر ضد امنیت ملی و هدف پایانی آن دولت است. به همین سان مفاهیم بیوتروریسم، بغی و جرم سیاسی و محاربه و تفاوت آنها با هم و مفهوم فتک و اغتیل و تفاوت آنها ، غدر، کودتا و فلتة، معارض و منتقد و مخالف و معاند آشنایی اجمالی یافتیم.

و اما در رابطه با راهکارها گفتنی است، از جمله مهمترین راهکارها و پیشنهادات و یا به تعبیری فواید این بحث آنکه اولاً در بعد نظری برای اهل علم و تحقیق آنها را مدد می‌رساند تا در مناقشات علمی و تبیین محل نزاع، مراد از مفهوم متنازع فیه را می‌دانند که چیست، و حد و مرز آن کجاست! و آنها را در پایش و رصد فرایند بحث مدد می‌رساند. در بعد اجتماعی به قانونگذار کمک می‌کند تا در تدوین گزاره های قانونی و بکارگیری واژه ها و مفاهیم در متون قانونی برای انتظام امور با طیب خاطر اقدام به تقنین نماید. زیرا یکی از معضلات قانون نویسی اشراف بر مفاهیم پایه و مورد استعمال در متون قانونی است. همینطور به قضات محاکم کمک می‌کند تا در مقام داور و تطبیق مواد و مفاهیم مستعمله در متون مورد استناد قانونی بر مصادیق خارجی و افراد، مردد نباشند و ابهامی در کار نباشد و امر بر آنها مشتبه نشود.

منابع

۱. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم ۱۴۱۴ ه ق ، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم،
۲. ابن قدامه، أبو محمد موفق الدین عبد الله بن أحمد بن محمد الشیخیر باین قدامه المقدسی(۱۴۰۵ ق) المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی ج ۷ ، ج ۹ بیروت، دار الفکر.
۳. ابن اثیر جزیری ، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم، ۱۳۸۵ ق . الکامل فی التاریخ، ج ۲، دار الصادر بیروت، چ اول،
۴. احمدی میانجی، الشیخ علی ۱۴۱۹ ق ، مکاتیب الرسول (ص اعداد: نصری ، نعمان، ج ۴، ج ۳، دارالحدیث قم چ اول
۵. اردبیلی محقق ، احمد بن محمد اردبیلی نجفی(مقدس اردبیلی) ۱۴۰۳ ه ق، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ۱۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم- ایران، اول،
۶. بخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل ابو عبدالله البخاری الجعفی ۱۴۲۲ق، الجامع المسند الصحیح المختصر من امور الرسول (ص) و سننه وایامه (صحیح البخاری)، ج ۹، کتاب جهاد، ج ۲، ص ۱۷۴، جامعه دمشق سوریه، چ اول
۷. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری ۱۴۱۳ ه ق، المقنعة (للشیخ المفید)، در یک جلد، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید- رحمه الله علیه، قم- ایران، اول،



۲۴. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن ۱۳۸۷ هـ ق ، المبسوط فی فقه الإمامیه، ۸ جلد، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية، تهران - ایران، سوم،
۲۵. عوده، عبد القادر ۱۹۹۴ م ، التشريع الجنائي مقارنا بالقانون الوضعي، ج ۲، ۱۳، بیروت، مؤسسه رسالت، (دارالکتب العربی، بیروت)
۲۶. کلینی، ثقه الاسلام ابو جعفر، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی ۱۴۰۷ هـ ق «الکافی (ط - الإسلامية)»، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم،
۲۷. گلدوست جویباری، رجب ۱۳۸۸ ش ، «جرائم علیه اکنیت کشور» تهران انتشارات جنگل جاودانه چاپ دوم
۲۸. مجلسی دوم اصفهانی، محمد باقر بن محمد تقی ۱۴۱۰ هـ ق ، بحار الأنوار ج ۲۹، ج ۴۴، ج ۵۰، ۳۳ جلد، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت - لبنان، اول،
۲۹. متقی، علی بن حسام الدین متقی ۱۳۹۸ ق ، منتخب کنز العمال، فی سنن الاقوال والافعال ج ۶ ، المكتب الاسلامی= بیروت، ج دوم
۳۰. مکی عاملی (شهید اول) ۱۴۱۰ ق، ۱۴۱۰ هـ ق ، للمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه، در یک جلد، دار التراث - الدار الإسلامية، بیروت - لبنان، اول،
۳۱. معلوف، لويس ۱۳۸۲ ش) «المنجد فی اللغة و الاعلام» ج ۴، قم: انتشارات قدس، ۱۳۷۸ (ترجمه احمد سیاح، تهران، اسلام، چاپ چهارم،
۳۲. موسوی بجنوردی، محمد، ۱۳۸۴ ش، فقه تطبیقی: بخش جزایی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی با همکاری دانشگاه تربیت معلم و سمت.
۳۳. مقریزی، احمد بن علی بن عبد القادر، ابوالعباس الحسینی العبیدی تقی الدین المقریزی، ۱۴۲۰ ق ، امتاع الأسماع بمالئین من الاحوال والاموال والحفده والمتاع ج ۱۵ (ج) دارالکتب العلمیه بیروت، ج اول
۳۴. منتظری نجف آبادی، حسین علی ، ۱۴۲۹ هـ ق حکومت دینی و حقوق انسان، در یک جلد، ارغوان دانش، قم - ایران، اول،
۳۵. نجفی، الاصفهانی صاحب الجواهر، محمد حسن ۱۴۰۴ هـ ق ، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ۴۲ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، هفتم،
۳۶. واقدی، محمد بن عمر بن واقد السهمی الاسلامی بالولاء، المدنی ابوعبدالله الواقدی ، ۱۴۰۹ ق تحقیق مارسدن جونس، المغازی، ج ۳، ج ۱، دار الاعملى بیروت ، ج سوم
۳۷. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۹ هـ ق) محارب کیست و محاربه چیست؟ مجله فقه اهل بیت (شماره ۱۱ و ۱۲، سال ۷۶ و شماره ۱۳ سال ۷۷)؛ نک: بایسته‌های فقه جزاء، در یک جلد، نشر میزان - نشر دادگستر، تهران - ایران، اول.
۳۸. یعقوبی، احمد بن اسحاق ، بی تا ، تاریخ یعقوبی، ج ۲، دارالصادر، بیروت.
۸. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی ۱۴۱۸ هـ ق ، ریاض المسائل (ط - الحديث)، ۱۶ جلد، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول،
۹. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، بی تا، المستدرک علی الصحیحین، ۱۰ ج، (ج ۴)، تحقیق حمدی مردوش محمد، مکتبه العصریه سیدا - بیروت
۱۰. جعفری لنگرودی محمد جعفر ۱۳۸۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق ، انتشارات گنج دانش، تهران، چهارم
۱۱. حرّ عاملی ، محمد بن حسن ۱۴۰۹ هـ ق ، وسائل الشیعة ج ۱۹، ابواب مقدمات الحدود، باب ۲۸، ج ۳۰، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم - ایران، اول،
۱۲. حنبل، الامام احمد بن محمد بن حنبل ۱۴۱۶ ق، مسند الامام احمد بن حنبل ج ۵۰، موسسه الرساله، بیروت لبنان، ج اول
۱۳. دهخدا، علی اکبر، زیر نظر: معین محمد؛ احمدی گیوی؛ حسن ، ؛ شهیدی سید جعفر؛ ۱۳۷۷ ش لغتنامه دهخدا ج ۱۵، انتشارات دانشگاه تهران، روزنه تهران، ج ۲،
۱۴. دیار بکری، حسین بن محمد بن الحسن الدیار بکری بی تا، تاریخ الخميس فی احوال انفس النفیس ج ۲، ج ۱، ص ۴۰۸؛ دارالصادر، بیروت
۱۵. السجستانی، ابو داود سلیمان بن الأشعث بن اسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الازدی السجستانی بی تا ، سنن ابی داوود، ج ۴، کتاب جهاد، باب ۱۵۷، ج ۲، مکتب العصریه، سیدا - بیروت
۱۶. شاملو احمدی، محمد حسین ۱۳۷۷ ش، فرهنگ اصطلاحات جزایی) ج ۱، نشر دادیار، اصفهان:
۱۷. شهید ثانی ۱۴۱۰ هـ ق الروضة البهیة فی شرح اللعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)، ۱۰ جلد، کتابفروشی داوری، قم - ایران، اول،
۱۸. صیمری، مفلح بن حسن (حسین) ۱۴۲۰ هـ ق ، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، ۴ جلد، دار الهادی، بیروت - لبنان، اول،
۱۹. طارمی، محمد حسین (۱۳۹۶ ش) «بررسی فقهی اقدامات تروریستی در جوامع اسلامی» دفتر تبلیغات حوزه علمیه بی جا
۲۰. طریحی، فخر الدین ۱۴۱۶ هـ ق ، مجمع البحرین، ۶ جلد، کتابفروشی مرتضوی، تهران - ایران، سوم،
۲۱. عالی پور، حسن ۱۳۸۹ ش «تسبیت مفهومی تروریسم از نگاه فقه» منتشره در فصلنامه مطالعات راهبردی سال سیزدهم شماره چهارم زمستان شماره مسلسل ۵۰
۲۲. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن ۱۳۹۰ هـ ق ، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، ۴ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، اول،
۲۳. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن ۱۴۰۷ هـ ق ، الخلاف (ج ۵)، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول،





Scientific Journal of Modern
Jurisprudence and Law

Print ISSN: ۲۷۱۷- ۱۴۶۹
Online ISSN: ۲۷۱۷ - ۱۴۷۷

Profile in ISC, SID, Noormags,
Magiran, Ensani, GoogleScholar
www.jaml.ir
fifth Year, Issue ۱۰
, Pages ۱-۱۷

Jurisprudential and legal analysis of the guarantee condition in contracts

Mohammad Ibrahim
Mujahid

Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law
Department, Islamic Azad University, Isfahan Branch
(Khorasgan), Isfahan, Iran.

Abstract

Conceptual discussion is very important in all branches of human sciences. This discussion is of double importance in criminal law, especially in the field of public safety and comfort. Since this field is closely related to the materials of Khamsa, and there are conceptual inadequacies and ambiguities in some of these concepts; Based on this, the explanation of this category of concepts is inevitable both theoretically and practically. Brief recognition and explanation of concepts such as terror and terrorism, and bioterrorism, war and corruption in the land and rebellion, political crime, assassination, coup d'état, and their difference and separation from each other are among the concepts that familiarization and explanation of them, both in terms of It is important both theoretically and in the practical aspect of law making, as well as in the position of judging and applying examples. This research analyzed some of the most important concepts in an analytical-descriptive way. First, these basic concepts were explained and described. Then attention was paid to the brief analysis of the attributes and dimensions, angles, territory and them. As a result of this research, the discussed concepts were disambiguated, and with the knowledge obtained of the elements and nature of each, their differences and distinctions were recognized and explained.

Keywords: Concepts, disrupting security, terrorism, war, sedition, corruption, murder, treachery, assassination

JEL Classification: Jurisprudence - Law - Criminal and Criminology - International Law - Private Law